

الدراسة الفقهية لقاعدة تكرار الجرم الحدي^١

أמיד نساج دره^٢

الملخص

يُعَدُّ تكرار الجرم من المؤسسات الهامة في القانون الجنائي، ومن عوامل تشديد العقوبة. في الفقه، ورغم أن الفقهاء قد تناولوا حكم تكرار بعض مصاديق الجرائم الحدية، إلا أنهم لم يناقشوا هذه المسألة بشكل قاعدة كلية. المراد بتكرار الجرم الحدي هو ارتكاب نفس الجرم الحدي عدة مرات مع تنفيذ العقوبة (الحد) بين المرات. وباستعراض أقوال الفقهاء، فإن الرأي المشهور في تكرار الجرائم الحدية هو الحكم بقتل المرتكب في المرتبة الرابعة. والمستند الرئيسي لهذه القاعدة هو صحيحة يونس، التي ترى أن مرتكبي الكبائر بعد إقامة الحد عليهم مؤثمين يستحقون القتل في المرتبة الثالثة، ولكن المشهور من الفقهاء، احتياطاً في الدماء، أوكلوا القتل إلى المرتبة الرابعة. لهذه القاعدة استثناءات أيضاً؛ منها في جرم شرب الخمر حيث يرى المشهور من الفقهاء القتل في المرتبة الثالثة، وأما في جرم المحاربة فلم يبحث الفقهاء حكم تكراره لوجود حدّ القتل في المرتبة الأولى. وعموماً، فإن الفقه الإمامي له قاعدة منسجمة نسبياً لتكرار الجرائم الحدية، وإن كان هناك اختلاف في التفاصيل.

المفردات الأساسية: الجرم، الحد، تكرار الجرم، الفقه.



١. تاريخ الاستلام: ٢٥ شعبان ١٤٤٧

تاريخ الموافقة: ١٩ شوال ١٤٤٧

٢. أستاذ في المستوى الأول وعضو المجموعة العلمية - التربوية، مدرسة مدينة العلم الكاظمية العلمية، يزد،
omidnd1399@gmail.com
إيران.

بررسی فقهی قاعده تکرار جرم حدی^۱

امید نساج دره^۲

چکیده

تکرار جرم، یکی از نهادهای مهم در حقوق جزا و از عوامل تشدید مجازات به شمار می‌رود. در فقه، هرچند فقها به حکم تکرار برخی مصادیق جرائم حدی پرداخته‌اند، اما این مسئله را به صورت یک قاعده کلی بحث نکرده‌اند. مراد از تکرار جرم حدی، ارتکاب چندباره یک جرم حدی یکسان، با اجرای مجازات (حد) در میان دفعات است. با بررسی اقوال فقها، دیدگاه مشهور در تکرار جرائم حدی، حکم به قتل مرتکب در مرتبه چهارم است. مستند اصلی این قاعده، صحیح یونس است که مرتکبان کبائر را پس از دو بار اجرای حد، در مرتبه سوم مستحق قتل می‌داند، اما مشهور فقها به دلیل احتیاط در دماء، قتل را به مرتبه چهارم موکول کرده‌اند. این قاعده مندی استثنائاتی نیز دارد؛ از جمله در جرم شرب خمر که مشهور فقها قتل را در مرتبه سوم می‌دانند، و در جرم محاربه که فقها به دلیل وجود حد قتل در مرتبه اول، حکم تکرار را بررسی نکرده‌اند. در مجموع، فقه امامیه برای تکرار جرائم حدی قاعده‌ای نسبتاً منسجم دارد، هرچند در جزئیات آن اختلاف نظر وجود دارد.

واژگان کلیدی: جرم، حد، تکرار جرم، فقه.

تاریخ تأیید: ۱۹ فروردین ۱۴۰۵

۱. تاریخ دریافت: ۲۵ بهمن ۱۴۰۴

۲. استاد سطح یک و عضو گروه علمی - تربیتی، مدرسه علمیه مدینه العلم کاظمیه، یزد، ایران.

omidnd1399@gmail.com

مقدمه

امروزه در بسیاری از علوم، تحقیقات موردی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند؛ زیرا کلیات علوم در قرون گذشته تا حد زیادی تبیین شده و مطالعات موردی، نقشی تعیین‌کننده در تحول جوامع بشری در ابعاد صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشته‌اند.

حقوق، به ویژه حقوق جزای ایران، برگرفته از احکام فقه است. از این رو، تحقیقات موردی در این حوزه می‌تواند ضمن روشن کردن فروع فقهی، زمینه‌ساز تحول و تکامل علم حقوق گردد. موضوع اصلی این مقاله، بررسی فقهی مجازات جرائم حدی در فرض تکرار است. در این راستا، ضمن اشاره به تعریف تکرار جرم حدی و شرایط تحقق آن، جرائم حدی قابل تکرار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نویسنده در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که جرائم حدی در صورت تکرار، از منظر فقه چه حکمی دارند و آیا می‌توان قاعده‌مندی را در مجازات آن‌ها شناسایی کرد. نتایج این تحقیق می‌تواند در قانون‌گذاری نیز کاربرد داشته باشد.

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای تنظیم شده و از منابع اصیل فقهی بهره برده است. هرچند در برخی تعاریف، به ویژه تعریف قاعده تکرار جرم به عنوان یک نهاد حقوقی، از مباحث حقوقی استفاده شده، اما این مباحث نیز ریشه در مسائل فقهی دارند. در میان پیشینه‌های این پژوهش می‌توان به کتاب «قواعد فقه جزائی» تألیف دکتر احمد حاجی‌ده‌آبادی اشاره کرد که در فصلی از آن به طور خلاصه به قاعده تکرار جرم پرداخته شده است؛ همچنین رساله سطح سه نگارنده با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی تکرار جرم حدی» از دیگر پیشینه‌های این پژوهش به شمار می‌رود.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. جرم

«جرم» در لغت عربی به معانی قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و واداشتن به کاری ناپسند آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۱۱۹). در اصطلاح فقه، جرم مرادف معصیت و عبارت است از هر عمل شرعاً ممنوع که دارای کیفر



دنیوی (حد، تعزیر، قصاص، دیه، کفاره) یا کیفر اخروی باشد.

جرم در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق نیز تعاریف متعددی دارد. در حقوق، تعریف واحدی پذیرفته نشده است؛ برخی حقوقدانان آن را «هر عملی که مخالف نظم عمومی، صلح، اخلاق حسنه و آرامش جامعه باشد» دانسته‌اند (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲). به دلیل ابهام در چنین تعاریفی، برخی دیگر قانون را وارد تعریف کرده‌اند: «جرم عملی است که مغایر با نظم و ارزش حاکم بر جامعه بوده و قانون آن را ممنوع اعلام کرده و ضمانت اجرای کیفری دارد» (ولیدی، ۱۳۷۴، ص ۱۸).

قانون مجازات اسلامی جمهوری ایران در ماده ۲، جرم را چنین تعریف کرده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».

۲. ۱. جرم حدی و تعزیر

بر اساس دیدگاه فقها، حد عبارت است از مجازات‌های بدنی با اندازه مشخص که شرع برای گناهان خاصی تعیین کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۳۲۵). تعزیر به معنای تأدیب است و در اصطلاح شرع، عقوبتی است که در اصل شرع برای آن اندازه معینی تعیین نشده است. تفاوت اصلی حد و تعزیر در این است که نوع، میزان و کیفیت مجازات در حد به طور دقیق بیان شده، اما در تعزیر چنین نیست. شهید اول تفاوت‌های متعددی میان آن دو برشمرده که مهمترین آنها عبارتند از: تعزیر از نظر کمی حد پائینی ندارد، در تعزیر میان برده و آزاد تفاوتی نیست (بر خلاف حد که حد بردگان نصف آزادگان است)، تعزیر باید متناسب با جرم باشد (بر خلاف حد که صرف تحقق جرم کفایت می‌کند؛ مثلاً در حد سرقت تفاوتی ندارد که ربع دینار سرقت کند یا بیشتر)، تعزیر با توبه ساقط می‌شود (در حالی که در حدود پس از اقامه بینه، اجرا قطعی است)، اختیار نوع تعزیر با حاکم است (بر خلاف حدود که حاکم مخیر نیست، جز حد محاربه)، و تعزیر گاهی حق الله و گاهی حق الناس است ولی حدود تماماً حق الله هستند، جز حد قذف (شهید اول، بی تا، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۴).



۳. ۱. تکرار جرم

تکرار جرم وصف کسی است که به موجب حکم قطعی و لازم الاجرا، محکومیت کیفری یافته و مجازات شده و بعداً مرتکب جرم دیگری از همان نوع شود (اردبیلی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۳۲).

هرچند قاعده تکرار جرم در حقوق از عوامل تشدید مجازات است، اما نمی‌توان از منابع فقهی و اقوال فقها چنین قاعده‌ای با همان ویژگی‌های حقوقی اصطیاد کرد. نهایت آنچه در فقه یافت می‌شود، شباهت مجازات جرائم حدی مختلف در صورت تکرار در مرتبه سوم یا چهارم است. به عبارت روشن‌تر، مراد از قاعده‌مندی تکرار جرم حدی در فقه، پاسخ به این پرسش است که اگر کسی جرم مستوجب حد را تکرار کند و در هر بار حد بر وی جاری شود، در مرتبه سوم یا چهارم، مجازاتش قتل خواهد بود یا خیر؟ برای مثال، کسی که دو بار قذف کرده و هر بار هشتاد ضربه تازیانه خورده است، در مرتبه سوم یا چهارم اگر قذف کند، کشته می‌شود یا خیر؟ در کتاب‌های فقهی از این حکم به صورت قاعده‌ای کلی بحث نشده است؛ آنچه فقها بدان پرداخته‌اند، حکم تکرار برخی مصادیق جرائم حدی همچون زنا و سرقت است.

۲. شرایط تحقق تکرار جرم حدی

مراد از تکرار جرم حدی، تکرار سه یا چهار باره یک جرم حدی است، با این شرط که در میان دفعات، حد بر مرتکب جاری شده باشد. پرسش اصلی در قاعده‌مندی تکرار جرم حدی این است که آیا چنین فردی در مرتبه سوم یا چهارم مستوجب قتل است یا خیر. با توجه به این تعریف، سه شرط برای تحقق قاعده تکرار جرم حدی در فقه لازم است: شرط اول: جرم حدی حداقل سه مرتبه تکرار شده باشد. بنابراین، اگر عمل مستوجب حد فقط دو مرتبه تکرار شود، هرچند از نظر حقوقی «تکرار جرم» صدق می‌کند، اما در فقه مشمول این قاعده نیست.

شرط دوم: جرائم ارتكابی یکسان و مشابه باشند. بنابراین، کسی که یک بار به جرم شرب خمر، بار دیگر به جرم زنا و بار سوم به جرم قوادی حد خورده است، مشمول قاعده تکرار جرم نخواهد شد.



مجلس شورای اسلامی ایران

پژوهش‌های فقهی قاعده تکرار جرم حدی

شرط سوم: حد بر فرد اجرا شده باشد و سپس دوباره مرتکب همان جرم شود. بنابراین، اگر کسی ده بار جرم حدی یکسانی مرتکب شود اما حدی بر او اجرا نشده باشد، یا پس از اثبات جرم و پیش از اجرای حد، دوباره همان جرم را تکرار کند، مشمول قاعده نمی‌شود. همچنین اگر فرد پیش از اجرای حد، دو جرم مرتکب شده باشد و پس از اجرای حد بر یکی، جرم دیگر اثبات شود، باز هم مشمول قاعده نخواهد بود.

۳. مصادیق جرائم حدی قابل تکرار و غیرقابل تکرار

هر جرم حدی که مجازات آن سالب حیات (قتل، رجم یا صلب) باشد، از شمول جرائم قابل تکرار خارج است.

الف) جرائم حدی غیرقابل تکرار (سالب حیات):

مهمترین این جرائم عبارتند از: لواط (بنابر نظر مشهور)، زنا با محارم نسبی، زناای ذمی با زن مسلمان، زناای اکراهی برای فرد اکراه‌کننده، سب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ارتداد فطری، حد زانی محصن (رجم)، و همچنین یکی از حدود چهارگانه محاربه (قتل یا صلب).
ب) جرائم حدی قابل تکرار:

- جرائمی که قابلیت تکرار دارند، شامل حدودی از نوع جلد، قطع و تبعید هستند:
- حد جلد: زناای غیرمحصن، تفخیز (لواط غیر ایقابی)، مساحقه، قوادی، قذف. همچنین به نظر مشهور، فاعل غیرمحصن در لواط نیز حد جلد دارد.
- حد قطع: سرقت حدی و یکی از حدود چهارگانه محاربه.
- حد تبعید: یکی از حدود چهارگانه محاربه، و نیز در کنار جلد در برخی صور زنا و قوادی.

۴. بررسی فقهی تکرار جرائم حدی

در ادامه، آراء فقها درباره تکرار جرائم حدی را یک به یک مورد بازخوانی قرار می‌دهیم.

۴.۱. بررسی فقهی تکرار جرم زنا

زنا از گناهان کبیره و حرام قطعی اسلام است و تمام فقهای مذاهب اسلامی بر حرمت آن اتفاق نظر دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۲۵۸).



۱. ۱. ۴. زنای مشمول تکرار جرم

فقها پنج گونه حد برای زنا تعیین کرده‌اند: قتل (زنا با محارم)، رجم (محسن جوان)، جلد (غیر محسن)، جلد و رجم (پیر محسن)، و جلد به همراه تبعید و تراشیدن موی سر (بکر متأهل بدون دخول) (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۴۶۳-۴۶۴). از میان این اقسام، فقط آن دسته از زناها مشمول تکرار جرم می‌شوند که حد آن‌ها قتل یا رجم نباشد. بنابراین، زنای غیر محسن (حد جلد) و همچنین زنای بکر (حد جلد، تراشیدن مو و تبعید) قابلیت تکرار دارند.

۱. ۲. ۴. حکم تکرار جرم زنا

نظر مشهور فقهای امامیه این است که تکرار جرم زنای مستوجب حد، در مرتبه چهارم سبب اجرای قتل می‌شود. شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۷۷۶)، شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۶۹۴)، امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۶۴)، سید مرتضی (۱۴۱۵، ص ۵۱۹)، ابن زهره (۱۴۱۷، ص ۴۲۱) و آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۳۷) به این قول فتوا داده‌اند. در مقابل، ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۴۲) و شیخ صدوق (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۱۱) قتل در مرتبه سوم را پذیرفته‌اند. صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۳۱) با اشاره به دو روایت متفاوت (صحیح یونس که دلالت بر قتل در مرتبه سوم دارد و موثق ابی بصیر که دلالت بر قتل در مرتبه چهارم دارد)، قتل در مرتبه چهارم را از باب احتیاط در دماء، ارجح می‌داند. شیخ طوسی در نظری دیگر، قتل در مرتبه پنجم را نیز مطرح کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۰۸). در اینکه آیا تکرار قسم خاصی از زنا شرط است یا مطلق زنا، به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق صحیح یونس و معتبره ابی بصیر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۹)، تکرار قسم خاص شرط نیست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

از معتبره ابی بصیر نیز چنین برمی‌آید که در زنا، اگر حد اصلی (شلاق) سه مرتبه تکرار شده باشد، در مرتبه چهارم قتل جاری می‌شود، فارغ از اینکه مجازات دیگری همراه آن اجرا شده باشد یا نه. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زانی اگر زنا کند، سه بار تازیانه می‌خورد و در مرتبه چهارم کشته می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۹). عبارت «جلد ثلاث مرات» هم ناظر بر اجرای سه مرتبه حد است و هم نشان می‌دهد آنچه در تکرار حد زنا مهم است، تکرار سه باره جلد می‌باشد.



۴. ۲. بررسی فقهی تکرار جرم لواط و تفخیز

لواط از گناهان کبیره و حرمت آن ضروری دین است. لواط عبارت است از وطی مرد با مرد. در اینکه آیا تفخیز (قرار دادن آلت بین ران‌ها بدون دخول) نیز لواط محسوب می‌شود یا جرمی مستقل است، دو قول وجود دارد؛ قول مشهور آن را داخل در لواط می‌داند، اما برخی فقها مانند صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۷۶) و آیت‌الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۳۸) آن را جرمی حدی مستقل می‌شمارند.

۴. ۲. ۱. حکم فقهی لواط و تفخیز

در لواط ایقابی (با دخول)، بنابر نظر مشهور فقها، حد فاعل و مفعول قتل است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۸۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۵۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۴۱، صص ۳۸۳-۳۷۴). در لواط غیر ایقابی (تفخیز)، مشهور فقها حد را یکصد ضربه تازیانه می‌دانند و میان محصن و غیر محصن تفاوتی قائل نیستند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۰). در مقابل، شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۰۳) در تفخیز قائل به تفصیل بین محصن (رجم) و غیر محصن (جلد) است. آیت‌الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۳۸) نیز تفخیز را جرمی مستقل دانسته و حد آن را یکصد ضربه تازیانه می‌داند، بدون تفاوت بین محصن و غیر محصن.



۴. ۲. ۲. حکم تکرار لواط و تفخیز

در لواط ایقابی که حد آن قتل است، تکرار جرم معنا ندارد. اما در لواط غیر ایقابی (تفخیز) که حد آن تازیانه است، تکرار جرم امکان‌پذیر است. نظر مشهور فقها این است که در صورت تکرار لواط غیر ایقابی و اجرای سه مرتبه حد، مرتکب در مرتبه چهارم کشته می‌شود. شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۰۶)، علامه حلی (۱۴۱۳ الف، ج ۹، ص ۱۹۱)، صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۸) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۰) به این قول معتقدند. در مقابل، ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۱) و آیت‌الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۰) و آیت‌الله تبریزی (۱۴۱۷، ص ۱۹۹) قتل در مرتبه سوم را پذیرفته‌اند و به صحیح یونس استناد کرده‌اند.

۳. ۴. بررسی فقهی تکرار جرم مساحقه

مساحقه، عبارت است از وطی زن با زن (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۸۷).

۳. ۱. ۴. حکم فقهی مساحقه

مشهور فقهای امامیه، حد مساحقه را یکصد ضربه تازیانه می دانند و میان محصنه و غیرمحصنه تفاوتی قائل نیستند. شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۷۸۸)، ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۴)، صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۸۸)، شهید ثانی (۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۵۹) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۰) به این قول فتوا داده اند.

در مقابل، شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۰۶) بین محصنه و غیرمحصنه تفاوت قائل شده و حد مساحقه را برای محصنه، رجم و برای غیرمحصنه، جلد می داند. آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۰) نیز همین نظر را پذیرفته است.

۳. ۲. ۴. حکم تکرار مساحقه

اکثر فقها حکم تکرار در مساحقه را مانند حکم تکرار در زنا دانسته اند. بنابراین، در صورت تکرار جرم مساحقه و اجرای سه مرتبه حد، مرتکب در مرتبه چهارم کشته می شود.

شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۰۸)، محقق حلی (فخر المحققین، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۴۷)، علامه حلی (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۳۸) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۰) به این قول معتقدند. شهید ثانی (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۹) نیز قتل در مرتبه چهارم را پذیرفته و تأکید کرده است که حتی اگر در زنا و لواط قتل در مرتبه سوم حکم داده شود، در مساحقه قتل در مرتبه چهارم جاری می گردد.

در مقابل، ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۷) و آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۱) قتل در مرتبه سوم را پذیرفته اند.

۴. ۴. بررسی فقهی تکرار جرم قوادی

قوادی، از گناهان کبیره و عبارت است از جمع کردن و به هم رساندن مرد با زن برای زنا یا مرد با مرد برای لواط؛ این فعل می تواند توسط زن یا مرد صورت گیرد.



۱. ۴. ۴. حکم فقهی قوادی

فقهها در تعریف و مجازات قوادی اختلاف نظر دارند. شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۷۹۱) حد قوادی را برای مرد، هفتاد و پنج ضربه تازیانه به همراه تراشیدن سر و تشهیر می‌داند و تبعید را برای مرتبه دوم اضافه می‌کند. شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۱۰) دامنه قوادی را گسترده‌تر دانسته و جمع میان زنان برای مساحقه را نیز مصداق قوادی می‌شمارد و تبعید را در همان مرتبه اول اجرا می‌کند.

ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۷۱) نیز قوادی را شامل زنا و لواط می‌داند (نه مساحقه) و حد آن را هفتاد و پنج تازیانه، تراشیدن سر و نفی بلد در مرتبه اول می‌داند و برای زن، تشهیر و نفی بلد را جاری نمی‌کند.

امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۱) قوادی را مختص زنا و لواط دانسته و حد آن را هفتاد و پنج ضربه تازیانه، تبعید (احوط در مرتبه دوم)، تراشیدن سر و تشهیر می‌داند و برای زن فقط تازیانه را جاری می‌کند. آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۱) نیز قوادی را شامل مساحقه می‌داند، اما حد آن را تنها هفتاد و پنج ضربه تازیانه می‌داند.

۲. ۴. ۴. حکم تکرار قوادی

حکم تکرار قوادی در بسیاری از کتاب‌های فقهی مطرح نشده است. ابوالصلاح حلبی (۱۴۰۳، ص ۴۱۰) در این زمینه تفصیل داده است: در مرتبه دوم، نفی بلد به همراه هفتاد و پنج تازیانه؛ در مرتبه سوم، دوباره تازیانه؛ در مرتبه چهارم، توبه داده می‌شود، اگر توبه کرد تازیانه می‌خورد و اگر توبه نکرد کشته می‌شود؛ و در مرتبه پنجم به هر حال کشته می‌شود.

۵. ۴. بررسی فقهی تکرار جرم قذف

قذف در لغت به معنی انداختن و رها کردن است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۵۹) و در اصطلاح فقهی، نسبت دادن زنا یا لواط به زن یا مرد عقیف می‌باشد.

۱. ۵. ۴. حکم فقهی قذف

قذف از جمله حدودی است که حق الناس محسوب می‌شود. بنابراین، بر خلاف اکثر حدود، حاکم مکلف است در صورت اثبات قذف، حد را اجرا کند؛ مگر آنکه مقذوف (کسی



که به او نسبت ناروا داده شده) مرتکب را عفو کند. حد قذف، هشتاد ضربه تازیانه است. فقها در شرایط قذف اتفاق نظر دارند که اسلام و آزاد بودن مقدوف شرط است. شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۷۹۲) تصریح می‌کند که قذف عبد، کنیز و غیر مسلمان موجب حد نمی‌شود و قذف به مساحقه یا قوادی نیز حد ندارد، بلکه تعزیر دارد. شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۲۲) نیز اسلام و آزاد بودن مقدوف را شرط می‌داند. صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۴۰۲) قذف به مساحقه را محل اشکال می‌داند. امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۲) نسبت زنا یا لواط را موجب حد قذف و نسبت مساحقه و بقیه فواحش را موجب تعزیر می‌داند.

۲. ۵. ۴. حکم تکرار قذف

نظر مشهور فقها این است که اگر کسی سه مرتبه حد قذف بر او جاری شده باشد، در مرتبه چهارم کشته می‌شود. شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۷۲۵)، محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۳)، علامه حلی (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۴۷)، ابن براج (۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۴۸) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۶) به این قول معتقدند. صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۲۶) نیز قتل در مرتبه چهارم را اولی و احوط می‌داند.

در مقابل، آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۲)، آیت الله تبریزی (۱۴۱۷، ص ۲۵۳) و ابن ادریس (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۲۸۳) قتل در مرتبه سوم را پذیرفته‌اند و به صحیحه یونس استناد کرده‌اند.

ناگفته نماند که تکرار حد قذف، زمانی موجب قتل می‌شود که ناشی از تکرار قذف کردن باشد؛ بنابراین، اگر کسی با یک لفظ چند نفر را قذف کند و هر کدام جداگانه شکایت کنند و چندین حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته نمی‌شود، زیرا شرط تحقق تکرار جرم، ارتکاب مجدد جرم پس از اجرای حد است، نه تعدد حدود ناشی از یک عمل.

۲. ۶. ۴. بررسی فقهی تکرار جرم شرب خمر

شراب خمر به اتفاق کتاب، سنت و اجماع از محرمات قطعی اسلام است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹۹). حد آن، هشتاد ضربه تازیانه است؛ همانند حد قذف، با این تفاوت که شارب خمر برهنه تازیانه می‌خورد (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹۹-۸۰۰).



۴. ۶. ۱. حکم تکرار شرب خمر

مشهور بلکه قریب به اتفاق فقهای امامیه معتقدند کسی که دو مرتبه حد شرب خمر بر او جاری شده باشد، در مرتبه سوم کشته می‌شود.

شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۸۰۱)، شیخ طوسی در النهایه (۱۴۰۰، صص ۷۱۳-۷۱۰)، ابن ادریس (۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۷۳)، مقدس اردبیلی (۱۴۰۳، ص ۱۹۱)، علامه حلی (۱۴۱۳ الف، ج ۹، ص ۲۰۳)، آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۵) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۸۰) به این قول فتوا داده‌اند.

در مقابل، شیخ طوسی در المبسوط (۱۳۸۷، ج ۸، ص ۵۹) و شهید اول در اللمعة الدمشقية (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۵) قتل در مرتبه چهارم را پذیرفته‌اند. با این حال، شهید ثانی در شرح اللمعه، با استناد به صحیح یونس و اخبار صحیح کثیر و صریح، قتل در مرتبه سوم را اقوی می‌داند و روایت مرسله صدوق را که دلالت بر قتل در مرتبه چهارم دارد، غیرقابل قبول می‌شمارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۰۵).

۴. ۷. بررسی فقهی تکرار جرم سرقت حدی

سرقت در لغت به معنای گرفتن و برداشتن چیزی در نهان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۸). در عرف شرع، سرقت حدی عبارت است از دزدی مخفیانه به مقدار معین و از جای معین. خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره مائده، حد سرقت را قطع دست بیان فرموده است.

۴. ۷. ۱. شرایط تحقق سرقت حدی

فقه‌ها شرایط متعددی برای تحقق سرقت حدی ذکر کرده‌اند. شهید ثانی (۱۴۱۰، ج ۹، صص ۲۲۱-۲۲۲) ده شرط را برشمرده است: بلوغ، عقل، اختیار، هتک حرز، نبود شبهه ملکیت، ارزش مال به میزان ربع دینار طلا، برداشتن از حرز، مخفیانه بودن، مال فرزند نبودن، و نبودن در سال قحطی.

در مورد نصاب مال مسروق، مشهور فقها ربع دینار را معتبر می‌دانند، اما آیت الله خوئی (۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۵۵) با استناد به روایات و موافقت با ظاهر قرآن، نصاب را خمس دینار می‌داند و این قول را اظهر می‌شمارد.



۲. ۷. ۴. حکم تکرار سرقت حدی

مشهور فقهای امامیه در مورد تکرار سرقت حدی قول واحدی دارند و اختلاف چندانی در این باب دیده نمی‌شود. بدین شرح که در مرتبه اول، دست راست سارق قطع می‌شود و در مرتبه دوم، پای چپ او قطع می‌گردد. چنانچه بار سوم سرقت کند، به حبس ابد محکوم می‌شود و اگر در حبس یا پس از آزادی از آن، مجدداً مرتکب سرقت شود، کشته خواهد شد. شیخ طوسی (۱۳۸۷، ج ۸، ص ۳۵)، شهید ثانی (۱۴۱۰، ج ۹، صص ۲۸۵-۲۸۳)، محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۴، ص ۶۴)، آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۴۸) و امام خمینی (۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۸۸) به این قول فتوا داده‌اند. تنها مرحوم خوانساری (۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۷۹) در قتل مرتبه چهارم تردید کرده است، اما این نظر مورد پذیرش مشهور قرار نگرفته است.

۸. ۴. بررسی فقهی تکرار جرم محاربه

محاربه عبارت است از بیرون آوردن سلاح برای ترساندن مردم، به قصد گرفتن مال یا کشتن (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۵۱).

۸. ۱. حکم محاربه در فقه

خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره مائده، چهار نوع مجازات برای محارب تعیین کرده است: قتل، صلب (به دار آویختن)، قطع دست راست و پای چپ (از خلاف)، و تبعید از سرزمین. در اینکه حاکم میان اجرای این چهار حد مخیر است یا باید به ترتیب عمل کند، اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقها (از جمله شیخ مفید، ابن ادریس، علامه حلی و امام خمینی) قائل به تخییر حاکم هستند؛ یعنی حاکم می‌تواند هر یک از چهار حد را بر محارب جاری کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۰۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ الف، ج ۹، ص ۲۵۸؛ امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۴۹۳-۴۹۲). در مقابل، شیخ طوسی (۱۴۱۳، ص ۷۲۰)، ابن براج (۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۵۳) و آیت الله خوئی (۱۴۱۰، ص ۵۱) قائل به ترتیب هستند؛ بدین معنا که مجازات باید متناسب با نوع جنایت محارب انتخاب شود (مثلاً اگر فقط ترسانده، تبعید؛ اگر مال برده، قطع؛ اگر کشته، قتل یا صلب).



۲. ۸. ۴. حکم تکرار محاربه

فقها در آثار خود به طور مستقل به حکم تکرار محاربه نپرداخته‌اند. چه بسا به این دلیل که حد محاربه خود شامل مجازات‌های سالب حیات (قتل و صلب) است، بنابراین در همان مرتبه اول نیز امکان اجرای قتل وجود دارد و نیازی به قاعده تکرار جرم نیست. با این حال، امکان تکرار جرم محاربه قابل تصور است و بسته به مبانی فقهی، پاسخ‌های متفاوتی دارد.

به عنوان مثال، اگر حدود محاربه تخییری باشد و امام میان اجرای هر یک از حدود مخیر باشد، محاربی که در مرتبه اول قطع دست و پا شده و در مرتبه دوم تبعید گردیده، حکم او در مرتبه سوم چیست؟ آیا حاکم می‌تواند دوباره حکم تبعید را بر او جاری کند؟ یا باید طبق صحیحۀ یونس که قتل در مرتبه سوم است، لزوماً حکم به قتل بدهد؟ یا در مرتبه چهارم باید حکم به قتل بدهد؟

همچنین اگر حدود محاربه ترتیبی باشد، اگر محاربی در دو مرتبه اول کسی را نکشته باشد و مالی هم نبرده باشد و لذا تبعید شده باشد، در مرتبه سوم که تشهیر سلاح کند و باز هم مرتکب قتل نشود (ولو مالی هم ببرد)، حکم او چیست؟ آیا قاضی در دفعات بعد نیز می‌تواند حکم به تبعید دهد، یا در صورت بردن مال حکم به قطع کند، یا طبق صحیحۀ یونس باید به قتل محکوم شود؟

فقها در آثار خود به این پرسش‌ها تصریح نکرده‌اند، اما می‌توان بر اساس مبنای کسانی مانند ابن ادریس و آیت‌الله خونی که به صحیحۀ یونس استناد کرده‌اند، قتل را در مرتبه سوم برای محارب نیز جاری دانست.

۵. بررسی مستندات فقهی قاعده‌مندی تکرار جرم حدی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، فقها از تکرار جرم حدی به عنوان یک قاعده مستقل در فقه بحث نکرده‌اند. با این حال، می‌توان گفت مهم‌ترین دلیلی که از آن نوعی قاعده‌مندی در تکرار جرائم حدی قابل فهم است، صحیحۀ یونس می‌باشد که لسان آن، لسان بیان حکمی کلی است. متن صحیحۀ به این شرح است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يُونُسَ عَنْ



أَبَى الْحَسَنِ الْمَاضِي رحمته الله قَالَ: أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلِّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّالِثَةِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۹).

ترجمه: «مرتکبان همه گناهان کبیره، هرگاه دو مرتبه حد بر آنان جاری شود، در مرتبه سوم کشته می شوند».

گذشته از مباحث سندی، مراد از «کبائر» هر چه باشد، به طور قطع جرائم حدی را در بر می گیرد؛ زیرا در روایت به اقامه دو مرتبه حد تصریح شده است.

اما همان گونه که در مباحث پیشین دیده شد، مشهور فقها در اکثر جرائم حدی، قتل را در مرتبه چهارم می دانند، نه در مرتبه سوم. به نظر می رسد اکثر فقها، صحیحه یونس را تبعیض کرده اند؛ یعنی بخشی از آن (اصل لزوم قتل در صورت تکرار) را پذیرفته، اما بخش دیگر (مرتبه سوم) را کنار نهاده اند.

در برخی از جرائم حدی که دلیل خاصی در مورد تکرار آن ها وجود ندارد، فقها به قتل در مرتبه چهارم فتوا داده اند. مستند آنان در این موارد سه چیز است: الحاق به باب زنا، اولویت و احتیاط.

صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۹۰) مساحقه را ملحق به باب زنا دانسته و قتل در مرتبه چهارم را متجه می داند و می گوید اگر ظن قوی به مساوات مساحقه با زنا نبود، قتل در مرتبه سوم بر اساس صحیحه یونس متجه بود. به نظر نگارنده، الحاق مساحقه به زنا در احکام تکرار، صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا تشبیه دو جرم در مجازات مرتبه اول، به معنای تشبیه آن ها در همه احکام نیست (تبریزی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۱). از این رو، گفتار آیت الله خوئی (۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۲۱۱) که قتل را در مرتبه سوم برای مساحقه جاری می داند، متجه تر است. قیاس اولویت نیز در این جا نمی تواند مستند محکمی باشد، مگر آنکه فلسفه حکم به طور کامل معلوم باشد. چه بسا در زنا به دلیل نیاز فطری بشر، تخفیف داده شده و قتل به مرتبه چهارم موکول گردیده است، در حالی که در جرائمی مانند لواط، مساحقه، قذف و قوادی چنین نیازی وجود ندارد.

با این حال، فقها در موارد متعددی به احتیاط در اجرای حد قتل اشاره کرده اند و علیرغم وجود صحیحه یونس، قتل در مرتبه چهارم را پذیرفته اند. به نظر می رسد رعایت احتیاط در امور دماء مطلوب باشد، به ویژه اینکه بنای حدود بر تخفیف است.



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش بود که جرائم حدی در صورت تکرار، از منظر فقه چه حکمی دارند و آیا می‌توان قاعده‌مندی را در مجازات آن‌ها شناسایی کرد. بررسی اقوال فقها نشان می‌دهد که هرچند ایشان تکرار جرم حدی را به صورت یک قاعده مستقل فقهی مورد بحث قرار نداده‌اند، اما می‌توان از مجموع فتاوی آن‌ها قاعده‌مندی را اصطیاد کرد. بر اساس این قاعده، هرگاه فردی سه مرتبه مرتکب جرم حدی یکسان شود و پس از هر بار، حد بر او جاری گردد، در مرتبه چهارم مستوجب قتل خواهد بود. این حکم در جرائمی مانند زنا، غیرمحصن، لواط غیر ایقابی، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر و سرقت حدی جریان دارد.

با این حال، این قاعده‌مندی خالی از استثنا نیست. نخست اینکه جرائم حدی سالب حیات (مانند زنا، محصن، زنا با محارم، لواط ایقابی) اساساً قابلیت تکرار ندارند. دوم اینکه در برخی جرائم مانند شرب خمر، مشهور فقها قتل را در مرتبه سوم (نه چهارم) می‌دانند. سوم اینکه در پاره‌ای از حدود مانند محاربه، فقها به دلیل وجود حد قتل در همان مرتبه اول، حکم تکرار را به طور مستقل بررسی نکرده‌اند.

مستند اصلی این قاعده‌مندی، صحیحۀ یونس است که به صورت کلی مرتکبان کبائر را پس از دو بار اجرای حد، در مرتبه سوم مستحق قتل می‌داند. اما مشهور فقها با استناد به احتیاط در دماء و نیز برخی روایات خاص (مانند معتبرۀ ابی بصیر در باب زنا)، قتل را به مرتبه چهارم موکول کرده‌اند. به نظر می‌رسد رعایت احتیاط در امور دماء - که بنای حدود بر تخفیف است - قابل دفاع باشد.

در مجموع، می‌توان گفت فقه امامیه برای تکرار جرائم حدی، قاعده‌ای نسبتاً منسجم دارد، هرچند در جزئیات آن (مانند مرتبه قتل در برخی جرائم) اختلاف نظر وجود دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند در قانون‌گذاری کیفری ایران که برگرفته از فقه است، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.



۲. ابن براج، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶). المذهب (لابن البراج). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد کاتب بغدادی. (۱۴۱۶). مجموعة فتاوى ابن جنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷). غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶. ابو الصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین. (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات میزان.
۹. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۷). أسس الحدود و التعزیرات. قم: دفتر مؤلف.
۱۰. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی. (۱۴۱۸). ریاض المسائل (ط - الحديثة). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۱. حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۹۱). قواعد فقه جزایی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۳. خوانساری، سید احمد بن یوسف. (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۳۹۰). تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۵. _____. (۱۴۲۵). ترجمة تحریر الوسيلة (مترجم: علی اسلامی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۰). تکملة المنهاج. قم: نشر مدینه العلم.
۱۷. _____. (۱۴۲۲). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۸. دیلمی (سلار)، حمزة بن عبد العزیز. (۱۴۰۴). المراسم العلویة و الأحکام النبویة. قم: منشورات الحرمین.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان: دار العلم الدار الشامیة.
۲۰. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر ویراستار.



٢١. شريف مرتضى، على بن حسين موسى. (١٤١٥). الانتصار في انفرادات الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٢٢. شهيد اول، محمد بن مكي. (١٤١٠). اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بيروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
٢٣. شهيد ثاني، زين الدين بن علي. (١٤١٠). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر). قم: كتابفروشي داوري.
٢٤. _____. (١٤١٣). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٢٥. صدوق (قمي)، محمد بن علي بن بابويه. (١٤١٥). المقنع (للشيخ الصدوق). قم: مؤسسه امام هادي (عليه السلام).
٢٦. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٣٨٧). المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٢٧. _____. (١٤٠٠). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار الكتاب العربي.
٢٨. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٤٠٧). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٢٩. فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبدالله. (١٤١٩). كنز العرفان في فقه القرآن (تحقيق: سيد محمد قاضي). تهران: مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي.
٣٠. فراهيدي، خليل بن احمد. (١٤١٠). العين. قم: نشر هجرت.
٣١. قانون مجازات اسلامي. (١٣٩٢). مصوب ١٣٩٢ ش.
٣٢. قرشي، سيد علي اكبر. (١٤١٢). قاموس قرآن. تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٣. كاظمي، جواد بن سعيد. (١٣٦٥). مسالك الأفهام الى آيات الأحكام. تهران: كتابفروشي مرتضوي.
٣٤. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي. (١٤١٣). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٣٥. _____. (١٤١٣). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٣٦. مروايد، علي اصغر. (١٤١٠). سلسلة الينايع الفقهية. بيروت: مؤسسه فقه الشيعة.
٣٧. مفيد (بغدادى)، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى. (١٤١٣). المقنعة. قم: كنز جهاني هزاره شيخ مفيد.
٣٨. الفقه المنسوب للإمام الرضا (عليه السلام). (١٤٠٦). مشهد: مؤسسة آل البيت (عليه السلام).